

## مطالعه عوامل مؤثر بر درک مخاطره در بین جوانان شهر تهران با تأکید بر

### مخاطرات انتظامی - امنیتی

محمدجواد زاهدی مازندرانی<sup>1</sup>، غلامرضا غفاری<sup>2</sup>، امیر ملکی<sup>3</sup>، اسماعیل حسونند<sup>4</sup>

تاریخ دریافت: 1398/01/28

تاریخ پذیرش: 1398/04/20

از صفحه 115 تا 136

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی

سال هفتم، شماره بیست و ششم، تابستان 1398

#### چکیده

ظهور جامعه در مخاطره معرف مرحله‌ای از توسعه جامعه مدرن است که در آن مخاطرات سیاسی، اجتماعی، بوم‌شناختی و فردی که با جریان نوآوری پدید می‌آیند، پی‌درپی از نهادهای حفاظتی و کنترلی جامعه صنعتی می‌گریزند. کشور ما همواره در معرض بسیاری از مخاطرات مختلف قرار داشته است. این پژوهش به دنبال مطالعه عوامل مؤثر بر درک و فهم مخاطره در بین نسل جوان شهر تهران است. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه جوانان شهر تهران و روش آن، کمی با تکنیک پیمایش و ابزار پرسشنامه می‌باشد. حجم نمونه برابر با (384) نفر است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین مخاطرات از دید جوانان مخاطرات سیاسی - اقتصادی، سپس مخاطرات بهداشتی - زیست‌محیطی، امنیتی - انتظامی و در پایان مخاطرات اجتماعی - فرهنگی است. آزمون همبستگی نشان می‌دهد بین اعتماد به آینده و تمام مؤلفه‌های مخاطره، بین متغیر سبک زندگی با مؤلفه‌های مخاطرات سیاسی - اقتصادی، صنعتی - فناوری و اجتماعی - فرهنگی، بین متغیر آگاهی با مؤلفه‌های سیاسی - اقتصادی، بهداشتی - زیست‌محیطی و اجتماعی - فرهنگی و بین متغیر دینداری با مؤلفه‌های سیاسی - اقتصادی، امنیتی - انتظامی، صنعتی - فناوری و اجتماعی - فرهنگی مخاطره رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که (38) درصد از تغییرات متغیر وابسته مخاطره توسط متغیرهای مستقل قابل تبیین است. ضرایب رگرسیونی نشان می‌دهند که متغیر اعتماد به آینده بیشترین تأثیر را بر متغیر مخاطره دارد. پس‌از آن، متغیر آگاهی، سپس سبک زندگی مخاطره‌آمیز و در انتها نیز متغیر دینداری دارای بیشترین تأثیر بر متغیر مخاطره هستند.

**کلید واژه‌ها:** مخاطره، دینداری، اعتماد به آینده، آگاهی، جوانان.

1- عضو هیئت‌علمی گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور واحد تهران، تهران، ایران.

2- عضو هیئت‌علمی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

3- عضو هیئت‌علمی گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور واحد تهران، تهران، ایران.

4- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی بررسی مسائل اجتماعی، دانشگاه پیام نور، واحد تهران، تهران، ایران و عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا، (نویسنده مسئول)، [esmail.hasanvand@gmail.com](mailto:esmail.hasanvand@gmail.com).

## بیان مسئله

جامعه مخاطره‌آمیز، جامعه‌ای است که در آن نگرانی افراد از آفات و بلایای طبیعی (قحطی و زلزله) به سمت مخاطرات ناشی از فعالیت‌های انسانی که اغلب شکل جهانی و عالم‌گیر دارند، متوجه شده است. به تعبیر بک، اگر قوه محرکه جامعه طبقاتی و صنعتی در این شعار خلاصه می‌شد که گرسنه‌ام، شعار جامعه جدید این است که می‌ترسم یا نگرانم. به‌طور خلاصه در جامعه طبقاتی سابق، مسئله داشتن سهمی از درآمدها و مزایای اجتماع و برابری یا نابرابری آن بود، اما ایده محوری و مرکزی کنونی، ایمنی است و هرکسی می‌کوشد از مخاطرات و ریسک‌ها ایمن بماند (قاسمی، 1388: 34). به نظر بک آنچه را که اینک می‌فهمیم این است که جهان درست آن‌گونه که اندیشمندان روشنگری متصور بودند، نیست. افزایش دانش ما پیرامون جهان و حرکت به‌سوی تولید اطلاعات، شکل‌های جدیدی از مخاطره را پدید می‌آورد که ما درباره آن‌ها تجربه اندکی داریم. عدم قطعیت بشر ساخته به معنای آمیزه‌ای از مخاطره، دانش بیشتر، ناآگاهی بیشتر و بازتابندگی و در نتیجه نوع جدیدی از مخاطره است (بک، 1388: 173). مخاطره صورت و وضعیت فراگیری دارد که در تمامی عرصه‌ها و ابعاد حیات انسانی رخنه کرده و آن را تحت تأثیر و مواجهه با تغییر کرده است و مهم‌تر اینکه تجربه نشان می‌دهد که به میزانی که جوامع فعال‌تر می‌شوند و در صدد تغییر و توسعه خود برآمده و آینده‌تازه‌ای را برای خود تعریف می‌کنند، مخاطرات نیز با بسط بیشتری خود را نشان می‌دهند. این مخاطرات پیامد و نتیجه مدرنیته هستند که به‌زعم رونالد اینگلهارت با گام نهادن از دوره کمیابی به پساکمیابی و تبدیل دغدغه نان به دغدغه امنیت و آینده نامعلوم و نامتعیین و مخاطرات ناشی از مصرف شدید، نهادهای اجتماعی آن را نیز دگرگون خواهند کرد (تعامل بازتابی)؛ اما مخاطرات عصر مدرن با مخاطرات پیش از آن متفاوت‌اند. مخاطرات عصر مدرن برخلاف مخاطرات پیشین (طبیعی) که ناشی از نیروهای غیر بشری بودند، ساخته انسان و فرآورده کنش او هستند. تفاوت میان مخاطرات طبیعی یا خارجی و مخاطرات بشر ساخته سطح دخالت عاملیت انسانی در تولید یا تخفیف آن‌ها است (بک، 1388: 10). تا قبل از ظهور عاملیت انسانی و جامعه‌ای، مخاطره در حوزه‌های فراتر از جهان اجتماعی و انسانی مورد ردیابی و جستجو قرار می‌گرفت. بدیهی است که در این معنا از مخاطره، مفهوم خطا و یا مسئولیت انسانی

جایی نداشت و همچنان مخاطره به‌عنوان خطر و تهدیدی فراتر از کنترل انسان تعبیر می‌شد (لاپتن، 1380: 5). ظهور جامعه در مخاطره، معرف مرحله‌ای از توسعه جامعه مدرن است که در آن مخاطرات سیاسی، اجتماعی، بوم‌شناختی و فردی که با جریان نوآوری پدید می‌آیند، پی‌درپی از نهادهای حفاظتی و کنترلی جامعه صنعتی می‌گریزند. جامعه ایران که در دهه‌های اخیر به‌واسطه بروز تحولات گسترده سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی یکی از مهم‌ترین دوره‌های اجتماعی و سیاسی خود را سپری کرده است از این قبیل مخاطرات دور نبوده و همواره دستخوش آسیب‌ها، ناامنی‌ها و تحولات فناورانه بوده است. وقوع اتفاقات مهم و تغییرات گسترده در جامعه ایران همچون توجه به برنامه‌های توسعه و نوسازی بعد از استقرار رژیم پهلوی، وقوع انقلاب اسلامی، جنگ ایران و عراق و تغییرات فرهنگی گسترده در سال‌های اخیر به دلیل هجوم گسترده وسایل ارتباطی موجب شده است تا نسل‌های حاضر تجارب و فضاهای اجتماعی متفاوتی را تجربه کنند. این تجارب تحت تأثیر تحولات ناشی از ورود مدرنیته به کشور است، به‌طوری‌که نسل‌های گوناگون کشور ما نیز هرکدام برحسب این دگرگونی‌ها و تغییرات ارزشی و اجتماعی - فرهنگی تأثیر و تأثرات بسیاری را پذیرفته‌اند. امروزه برای شهروندان ایرانی به‌سان شهروندان دیگر کشورها احساس ناامنی ناشی از بحران‌ها و بی‌ثباتی‌های اجتماعی داخلی و خارجی، آلودگی‌های زیست‌محیطی، افزایش خشونت عینی و پنهان، بی‌اخلاقی‌های اجتماعی، اضطراب ناشی از ذهن‌های چندپاره شده درگیر با پیامدهای مدرنیته، مشکلات مالی و شغلی و نیز بی‌ثباتی‌های ناشی از بحران‌های مالی بازارهای جهانی در مقیاس جهانی، منطقه‌ای و ملی خود به مسائلی پُرچالش تبدیل شده است. گستردگی مخاطرات به گونه بوده است که وضعیت مخاطره و امنیت در جوامع و دوره‌های تاریخی متفاوت صورت واحدی نداشته، به‌گونه‌ای که کم و کیف آن‌ها در جوامع متفاوت هم صورت متفاوتی پیدا کرده است.

شهر تهران، به‌عنوان پایتخت کشور، مهم‌ترین مخاطرات را در کشور تجربه کرده است. این شهر به دلیل فرآیند نوسازی، همواره در معرض مخاطرات طبیعی و انسان‌ساز بوده است. در طول چند سال گذشته، مخاطرات انسان‌ساز همواره این شهر را تهدید کرده است. بلندمرتبه‌سازی‌ها، تصادفات رانندگی، آلودگی، جرائم مختلف، آب آشامیدنی

نامناسب، مهاجرت‌های بی‌رویه، حاشیه‌نشینی، مشکلات بهداشتی تنها بخش کوچکی از مخاطرات در این شهر است.

در این بین، نسل جوان کشور ما به نسبت سایر نسل‌ها، در معرض بیشترین مخاطرات بوده است؛ به‌خصوص اینکه مخاطرات انسان‌ساز نیز در بین مخاطرات غالب چندساله اخیر بوده است. در این پژوهش تلاش شده است تا به این پرسش پاسخ داده شود که از نظر جوانان شهر تهران مهم‌ترین مخاطرات آن‌ها کدام‌اند؟ و چه عواملی بر درک و تجربه مخاطرات جوانان شهر تهران تأثیرگذار است؟ بر این اساس فرضیه‌های پژوهش حاضر به شرح زیر است:

- بین اعتماد اجتماعی و انواع مخاطرات در شهر تهران رابطه وجود دارد.
- بین میزان دینداری و انواع مخاطرات در شهر تهران رابطه وجود دارد.
- بین میزان آگاهی اجتماعی و انواع مخاطرات در شهر تهران رابطه وجود دارد.
- بین سبک (شیوه) زندگی و انواع مخاطرات در شهر تهران رابطه وجود دارد.

### ضرورت و اهمیت پژوهش

اگرچه انسان‌ها همواره در معرض میزانی از مخاطره قرار داشته‌اند، جامعه مدرن در معرض گونه‌های ویژه‌ای از مخاطرات است که نتیجه جریان نوسازی و تغییر سازمان اجتماعی است. مخاطراتی وجود دارند مانند بلایای طبیعی که همیشه اثرات منفی بر جوامع انسانی داشته‌اند، اما آن‌ها را نیروهای غیرانسانی پدید آورده‌اند. در حالی که مخاطرات مدرن، محصول فعالیت بشری است. هرچند که مخاطره و پیامدهای آن دنیای غرب را نیز دستخوش آسیب قرار داده است اما تبعات آن برای جوامعی مانند ایران که جریان مدرنیزاسیون را از بالا و به‌سرعت اجرا کرده است بسیار پرخطرتر و آسیب‌زا است. دنیای مخاطره جدید به همراه خود، آلودگی هوا، بحران‌های محیط‌زیستی، بی‌ثباتی سیاسی، مسائل هسته‌ای، جنگ‌های بیولوژیکی مدرن، ترافیک، بحران‌های اقتصادی و ترس و نااطمینانی و ... را با خود به همراه آورده است. این‌گونه مخاطرات کم نیستند و جامعه ما روزانه و به‌وفور تحت تأثیر این مخاطرات قرار داشته و دارد. از این‌رو تلاش جهت مقابله با این بحران‌ها نیازمند برنامه‌ریزی مبتنی بر مطالعه است. بدون

برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری و شناخت دقیق این مخاطرات، آینده کشور و جامعه را به بحران‌های عظیم‌تر وارد می‌کند؛ بنابراین مقابله و تلاش جهت سیاست‌گذاری دقیق برای مواجهه با این مخاطرات باید جزء اولویت‌های اساسی جامعه ما قرار بگیرد تا بتوان بحران‌ها و صدمات ناشی از این مخاطرات را به حداقل رساند. از این‌رو شناخت و کنترل این پدیده ناخوشایند که تأثیرگذاری آن بر نسل‌های جامعه ما چندگونه و نامتجانس بوده، نیازمند مطالعه فراگیر است تا با استفاده از آن، نه تنها بحران‌های جامعه بلکه مخاطرات مؤثر بر هر یک از نسل‌ها مهارپذیرتر شود. مطالعه مدرنیته و پیامدهای نامطلوب آن می‌تواند در اصلاح فرآیند توسعه و پیش‌بینی مشکلات آینده جامعه و نسل‌های متفاوت متمرکز و در کنترل این آسیب‌ها مؤثر باشد. انجام مطالعاتی این‌چنین که معطوف به آینده بوده و سرمایه‌های اجتماعی و انسانی جامعه را مطمح نظر قرار داده است، می‌تواند به مدیریت مسائل و بحران‌های کشور کمک کرده، به نیازهای نسل‌های گوناگون جامعه پاسخ دهد و ناامنی‌ها و نااطمینانی‌های آن را کاهش دهد؛ بنابراین بدون اطلاع از مخاطره، امکان سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های صحیح از سوی سازمان‌ها و نهادهای مسئول پیش‌گیری و کاهش خطرات وجود ندارد.

### پیشینه پژوهش

گزارش آینده‌پژوهی ایران (1397)، پنجمین پروژه آینده‌پژوهی سالانه‌ای است که آینده‌بان از سال (1393) زیر نظر مرکز بررسی‌های راهبردی ریاست جمهوری و تعدادی از انجمن‌های علمی انجام داده و منتشر کرده است. روش‌شناسی آینده‌پژوهی ایران در سال (1397) در چند مرحله طراحی شده و در هر مقطع از مجموعه‌ای از روش‌ها بهره گرفته شده است. قدم اول تعیین (100) مسئله ایران در سال (1397) با استفاده از نظر خبرگان و رتبه‌بندی آن‌ها توسط خبرگان بوده است. این موضوعات در (7) گروه، اقتصادی (21 مورد)، سیاسی (17 مورد)، فرهنگی (14 مورد)، اجتماعی (15 مورد)، علم و فناوری (8 مورد)، محیط‌زیست (13 مورد) و سلامت (12 مورد) گنجانده شده است. رتبه‌بندی مسائل کشور در سال (1397) نشان می‌دهد که مهم‌ترین مسائل و مخاطرات به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: بحران تأمین آب، فساد، پیامدهای بحران آب، بحران ناکارآمدی عملکردها، فرسایش سرمایه اجتماعی، ناهنجاری‌های ساختاری اقتصادی،

نگرانی درباره آینده و احساس بی‌آیندگی، بیکاری و قضاوت افکار عمومی درباره عملکرد حاکمیت.

کمانرودی و تولایی (1396) در پژوهشی با عنوان «مخاطرات، بحران‌ها و آسیب‌های انسانی شهری» به معرفی برخی از مخاطرات، بحران‌ها و آسیب‌های انسانی با تأکید بر فضاهای شهری پرداخته‌اند. در این پژوهش مخاطرات و بحران‌های شهری از حیث منشأ به دو گروه کلی طبیعی و انسانی تقسیم شده‌اند. مخاطرات انسانی به مخاطراتی اطلاق می‌شود که عامل اصلی آن‌ها، ساختارها و عملکردهای انسانی است. این نوع مخاطرات خود به دو دسته کلان اجتماعی و فناورانه به شرح زیر قابل تقسیم‌اند:

الف) مخاطرات اجتماعی: به اقدامات آگاهانه و محاسبه شده انسانی که موجب از بین رفتن جان انسان‌ها و تخریب کلی جامعه شهری می‌شود، مخاطرات اجتماعی گویند. جنگ، نسل‌کشی، تروریسم، مهاجرت، بیکاری، تورم، گرانی، فقر، قحطی، گرسنگی، بی‌خانمانی، آوارگی، اعتیاد، بیماری واگیر، افسردگی، خودکشی، خشونت، قتل عمد، آشفتنگی سیاسی و اجتماعی و ... از جمله این دسته مخاطرات هستند.

ب) مخاطرات فناورانه: مخاطراتی که از دخالت‌های ناآگاهانه بشر در طبیعت و بر اثر غفلت یا خطا در آزمایش‌ها علمی ناشی می‌شود. آتش‌سوزی، انفجار هسته‌ای و ناپایداری ساختمانی و زیرساخت‌های فیزیکی را می‌توان از این نوع مخاطرات دانست.

غفاری (1394) در پژوهش خود با نام «جامعه متحول، مخاطره و امنیت نرم» تلاش نموده است به شیوه استدلال نظری به بررسی چرخش‌های به وجود آمده در حوزه مباحث مربوط به جامعه، مخاطره و امنیت پردازد و همچنین با اختیار نمودن رویکرد برساخت‌گرایی با بیان فضای مفهومی و نظری سه بر ساخته جامعه متحول، مخاطره و امنیت نرم و نیز پیوند بین آن‌ها را مورد بررسی قرار دهد. نویسنده این‌گونه بیان داشته است که: جوامع انسانی در گذار اجتماعی و تاریخی خود با تغییرات و تحولاتی که تجربه می‌کنند مورد شناسایی و بازشناسی قرار می‌گیرند. هرچند که کم و کیف و آهنگ این تحولات در جوامع متفاوت میزان و صورت واحدی ندارد. امر تحول اجتماعی به‌رغم همه تفاوت‌هایی که دارد امری غیرقابل اجتناب است. این تحول صورتی فراگیر دارد به‌گونه‌ای که کل جامعه، در معنای تمامیت اجزاء سازنده آن از حیث ساختاری،

فرآیندی و عاملیتی آن، دستخوش تغییر می‌شود. چنین وضعیتی موجب شده که از جوامع جدید به‌عنوان جوامع متحول و فرآر یاد شود. تحول جوامع به‌خصوص زمانی که صورتی وسیع و گسترده پیدا می‌کند کمیت، کیفیت و ضریب امر مخاطره و امنیت را نیز مواجه با تغییر می‌کند که تحلیل و تبیین آن، بخش قابل‌ملاحظه‌ای از اندیشه و نوشته‌های مربوط به مخاطره و امنیت را معطوف به خود ساخته است.

پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال (1394) در کل کشور انجام شد، مخاطره و مسائل پیرامون آن در تمام استان‌های کشور مورد سنجش قرار گرفت. در این پژوهش از افراد پرسش شده بود که کمترین و بیشترین مخاطرات خود را بیان کنند. مهم‌ترین مخاطره از دید شهروندان در کشور به ترتیب مربوط به بحث ترافیک، شیوه‌های رانندگی و تصادفات جاده‌ای، حمله خارجی به کشور، بی‌ثباتی سیاسی و شورش اجتماعی، بی‌ثباتی اقتصادی، خدمات درمانی و دارو، بلایای طبیعی، سوانح هوایی، جرائم (سرقت، جیب‌بری)، پارازیت‌های ماهواره‌ای و اشعه‌های الکتریکی، گرفتار شدن اعضای خانواده به مسائل اجتماعی (اعتیاد و طلاق و ...)، بحران آب و خشک‌سالی، گرفتار شدن به بیماری‌های سخت، از دست دادن شغل، آلودگی هوا و در آخر مواد غذایی (میوه، سبزی، لبنیات و ...) بود. مردم استان کرمانشاه بیشترین میزان مخاطره ترافیکی و مردم استان گلستان کمترین میزان مخاطره ترافیکی را عنوان کرده بودند. مردم آذربایجان غربی بیشترین میزان مخاطره نسبت به مواد غذایی را اعلام کرده بودند و مردم استان یزد کمترین مخاطره را نسبت به مواد غذایی عنوان کرده بودند.

براتی مقدم (1393) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به مطالعه «رابطه سبک زندگی مخاطره‌آمیز و احساس امنیت در حوزه عمومی در میان جوانان شهر یزد» پرداخته است. این پژوهش از نوع پیمایشی است؛ جامعه آماری آن (337475) نفر از جوانان شهر یزد است که تعداد (384) نفر آن با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته است که از اعتبار و پایایی مناسبی برخوردار بوده است. نتایج نشان داد که احساس امنیت نیمی از جوانان در حد متوسط بوده است و بیشتر جوانان سبک زندگی مخاطره‌آمیز پایینی دارند و متغیر سرمایه اجتماعی و دینداری بالاتر از حد متوسط بوده است. احساس امنیت با متغیرهای سن، جنس، وضعیت تأهل، تحصیلات، دینداری، سرمایه اجتماعی، سبک زندگی رابطه

معناداری وجود دارد و با متغیر محل سکونت معنادار نمی‌باشد. متغیرهای مستقل در معادله رگرسیون توانستند، (24) درصد از تغییرات متغیر احساس امنیت را تبیین کنند. بیشترین اثرات بر روی متغیر وابسته به ترتیب متعلق به سرمایه اجتماعی، تحصیلات، سبک زندگی و جنس بود.

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های این پژوهش با سایر تحقیقات پیشین نوآوری آن است. بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در کشور در حوزه مخاطرات این پدیده را از منظر جغرافیایی مطالعه کرده‌اند و کمتر پژوهشی به بحث مخاطرات از منظر اجتماعی پرداخته است. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های این پژوهش با سایر تحقیقات پیشین، تأکید ویژه بر مخاطرات امنیتی - انتظامی است.

### مبانی نظری پژوهش

مخاطره احتمال وقوع یک حادثه نامطلوب و عواقب ناخوشایند آن را دربر دارد. پس مخاطره برابر با خطر نیست؛ بلکه به شرایط و موقعیتی نظر دارد که شاید خطرآفرین و صدمه زننده باشد (ایمانی جاجرمی، 1387: 126). مخاطره را می‌توان در جامعه مخاطره‌آمیز به‌عنوان شیوه منظم سروکار داشتن با خطرات و ناامنی‌هایی که جریان نوسازی موجب و مولد آن‌هاست، تعریف کرد (بک، 1992: 21). مفهوم مخاطره، پیامد نگرانی عظیم درباره تطابق با خطرات زندگی مدرن است. توجه به ابعاد روانی و اجتماعی مخاطره از منظر نظریه‌های فرهنگی - اجتماعی یک جریان متأخر است (لاپتن، 1380: 8). از نظر بک، توصیف کردن نظام اجتماعی جهانی معاصر به‌عنوان جامعه‌ای مخاطره‌ای بدین معنی نیست که الزاماً جهان امروز خطرناک‌تر از دوران قبلی است (اگرچه واقعیت ممکن است این‌طور نباشد). مفهوم مخاطره کمابیش بیانگر یک تغییر فرهنگی است، جایی که پیامدهای نامطمئن و بالقوه آسیب‌زای تصمیمات انسانی به‌طور روبه افزایشی در معرض محاسبه تحلیل مخاطره‌ای قرار گرفته است. نتیجه این محاسبه پذیرش رو به رشد اثرات جانبی خطرناک تولیدات و کردارهای انسانی است (بک، 2002: 5)؛ بنابراین نه وجود مخاطره، با افزایش سطح مطلق مخاطره، بلکه ظهور یک نگرش متفاوت نسبت به مخاطره، یک هستی‌شناسی و یک علت‌شناسی متفاوت از مخاطره و یک حساسیت تشدید یافته نسبت به پیامدهای اجتماعی و سیاسی یک حادثه مخاطره‌ای است که



عصر کنونی را عصر مخاطره‌ای می‌سازد. در اینجا بر مخاطراتی تأکید می‌کند که انسان‌ساخته (مصنوع) و نتیجه‌ای از دانش علمی و تصمیمات فن‌سالارانه و قدرت سیاسی هستند (بک، 2002: 438). بک در این خصوص می‌پرسد آیا مخاطرات همیشگی نبوده‌اند؟ آیا مخاطرات حداقل به همان اندازهٔ جامعهٔ صنعتی، شاید به اندازه‌ای خود نژاد بشری قدیمی نیستند؟ آیا ما نباید (200) سال گذشته را به‌عنوان دوره‌ای از رشد مداوم محاسبه‌ناپذیری و دوراندیشی در ارتباط با ناامنی‌ها و تخریب ناشی از صنعت ببینیم و ارزیابی کنیم؟ بک برای بررسی، مخاطرات را در (3) دوره از هم متمایز می‌کند، جوامع ماقبل مدرن، جوامع مدرن اولیه و جوامع معاصر یا جوامع مدرن متأخر. او برای مدرنیته متأخر ویژگی‌های متعدد متمایزی تعریف می‌کند و آن‌ها را با دوران مدرنیته اولیه مقایسه می‌کند. در این میان یکی از تفاوت‌های عمده آن است که خطر و مخاطرات در جوامع معاصر - مهم‌تر از مسائل زیست‌محیطی مانند آلودگی هوا و آب، تشعشعات یونیزه کننده و ترکیبات شیمیایی سمی در مواد غذایی - به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای با دوره‌های قبلی فرق می‌کند. بک مدعی است که از اواسط سده بیستم جامعه صنعتی در مقیاسی وسیع و بی‌نظیر با تهدیدهایی به حیات بشر مواجه بوده است. برخلاف بیم‌های شخصی که در اوایل صنعتی شدن ایجاد می‌شد، حدود مرز چنین تهدیدهایی را نه به لحاظ فضایی و نه زمانی و نه اجتماعی نمی‌توان معین کرد. عظمت و ماهیت جهانی بیم‌ها چنان‌اند که تعیین کمیت و ممانعت و اجتناب از آن‌ها روزبه‌روز دشوارتر می‌شود. در جوامع ماقبل مدرن تهدیدهای معمول و متداول (طاعون، خشک‌سالی، بلایای طبیعی، جنگل‌ها، همچنین جادو، خدایان و شیاطین) محاسبه ناشدنی انگاشته می‌شدند زیرا این تهدیدها به علت‌های خارجی و فوق طبیعی نسبت داده می‌شدند. از طریق فرآیندهای مدرنیته که صنعت‌گرایی اولیه رخ داد؛ به‌هرروی این تهدیدها در جریان توسعه کنترل عقلانی ابزاری، به بیم‌هایی محاسبه پذیر تبدیل شدند (بک، 2002: 13). بر اساس دیدگاه بک در دوره مدرن متأخر، بنیادهای منطق بیم به آن صورتی که در مدرنیته اولیه توسعه‌یافته بود، واژگون شده یا به حالت تعلیق درآمده است. در جامعه بیم‌زده روش‌های مدرنیستی محاسبه بیم، دیگر کارایی ندارد. بیم‌های جامعه مدرن متأخر به سبب ماهیت غیر محلی و آثار بالقوه درازمدتی که دارند، به‌سادگی قابل‌محاسبه نیستند.

در تقسیم‌بندی گیدنز مخاطرات به دو دسته مخاطرات خارجی و انسان‌ساخت تقسیم می‌شود. مخاطرات خارجی، خطرهایی است که از ناحیه طبیعت بر انسان وارد می‌شود، اما از آنجاکه مخاطره مستلزم آگاهی به شرایط آن است، با افزایش آگاهی، مخاطره افزایش یافته و تنوع بیشتری پیدا می‌کند. مخاطرات انسان‌ساخت، از درک این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که شاید بیشتر تهدیدهایی که بر فعالیت بشری تأثیر می‌گذارند، زاییده انسان هستند (گیدنز، 1388: 39-38). از نظر گیدنز مخاطره و اعتماد در هم بافته‌اند، اعتماد به‌طور معمول در خدمت تقلیل یا تخفیف خطرهایی کار می‌کند که انواع خاصی از فعالیت بشری با آن‌ها روبرویند؛ آنچه مخاطره «پذیرفتنی» نامیده می‌شود یعنی همان به حداقل رساندن خطر طبق معمول برای حفظ اعتماد اهمیت اساسی دارد.

به نظر گیدنز عوامل زیر بر مخاطره تأثیر می‌گذارند:

- آگاهی از مخاطره: او با اشاره به نقش محوری رسانه‌ها، تأثیرگذاری حوادث و اتفاقات فواصل مکانی بسیار دور بر زندگی روزمره انسان‌ها را از اساسی‌ترین مؤلفه‌های دوران مدرنیته می‌داند و معتقد است که باخبر شدن از حوادث یا مخاطرات بسیار دور سرانجام به احساس مخاطره می‌انجامد؛
- اعتماد: وی با تفکیک اعتماد بین شخصی از اعتماد به نظام‌های انتزاعی هر دو را در احساس امنیت نسبی دارای تأثیری اساسی می‌داند.

دوئل و اریکسون (9) جنبه متمایز جامعه مخاطره‌ای بک و گیدنز را موارد زیر می‌دانند: 1- تشدید یافتن آگاهی مردم و نهادهای معاصر (مانند پلیس) از مخاطره؛ 2- مبتنی بر سلسله‌مراتب اجتماعی بر مخاطره تا ثروت؛ 3- نادیده گرفتن ارزیابی‌های اخلاقی از مخاطره از محققان مخاطره‌ای در حکومت و اتکا آن‌ها بر ارزیابی‌های فنی از مخاطره؛ 4- مهم بودن معنی مخاطره از نظر مردم و در زندگی آنان؛ 5- باسوادتر شدن و تفکر انتقادی داشتن بیشتر مردم و آگاه‌تر بودن آنان به مسائل سیاسی و کمتر اعتماد داشتن آنان به سیاست‌های رایج؛ 6- مهم و محوری بودن مسائل اعتماد، به‌خصوص اعتماد به متخصصان و نظام‌های تخصصی؛ 7- اهمیت کلیدی رسانه‌های جمعی در کمک به شرایط (جو) شک و ترس؛ 8- جهت‌گیری آینده مدارانه جامعه مخاطره‌ای؛ 9-

فردی شدن رو به افزایش جامعه مخاطره‌ای (انتقال بار مخاطرات از دولت رفاه به افراد، نهادهای خصوصی و اضمحلال و جماعت اجتماعی سنتی که هم آزادی‌بخش است و هم اضطراب‌زا) (حیدری، 1390: 84).

گیدنز همچنین بر این باور است که ویژگی‌های خاص مدرنیته، پویایی، تأثیر جهان‌گستر و زیاد تغییر دادن رسوم سنتی هستند. مدرنیته سبب می‌شود که افراد هر چه بیشتر از قید انتخاب‌هایی که سنت به‌طور معمول در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد رها شوند و بدین ترتیب فرد را «رو در روی تنوعی از انتخاب‌های ممکن قرار دهد و به دلیل آنکه دارای کیفیتی غیرشالوده‌ای است چندان کمکی به فرد ارائه نمی‌دهد تا وی را در گزینش‌هایی که باید به عمل آورد یاری دهد» (گیدنز، 1388: 119). در این میان امنیت هستی‌شناختی وی آسیب می‌بیند و فرد برای اعاده امنیت هستی‌شناختی خود از میان انتخاب‌های موجود تعدادی را بر می‌گزیند. در واقع می‌توان چنین برداشت کرد که گیدنز سبک زندگی را به نحوی دستاویز برون‌رفت افراد در از دست دادن - یا از دست رفتن - هویت گذشته می‌داند. انتخاب سبک زندگی و خود را از عده‌ای جدا کردن و منتسب به عده‌ای دیگر نمودن، می‌تواند به‌عنوان قبیله‌گرایی مجدد برای انسجام و محافظت از ایده‌ها و باورها در مقابل هجمه‌های بیرونی‌ها باشد. برای احساس امنیت «بودن»، سبک‌های زندگی به‌صورت عملکردهای روزمره درمی‌آید، عملکردهایی که در نوع پوشش، خوراک، طرز کار و محیط‌های مطلوب برای ملاقات با دیگران تجسم می‌یابند؛ ولی این امور روزمره، در پرتو ماهیت متحرک هویت شخصی، به طرز بازتابی در مقابل تغییرات احتمالی باز و پذیرا هستند. سنت یا عادات و رسوم جاافتاده، برحسب تعریف، زندگی را در محدوده کانال‌هایی کمابیش از پیش تعیین شده به جریان می‌اندازند. تجدد، اما فرد را رودرروی تنوع غامضی از انتخاب‌های ممکن قرار می‌دهد و به دلیل آنکه دارای کیفیتی غیرشالوده‌ای است، چندان کمکی به فرد ارائه نمی‌دهد تا وی را در گزینش‌هایی که باید به عمل بیاورد یاری دهد. این امر پیامدهای گوناگونی به دنبال دارد؛ بنابراین دنیای امروزی با این سبک‌های زندگی نوعی ناامنی درونی را در فرد ایجاد می‌کند. هر سبک زندگی «... مستلزم مجموعه‌ای از عادات و جهت‌گیری‌ها و بنابراین برخوردار از نوعی وحدت است که علاوه بر اهمیت خاص خود از نظر تداوم امنیت وجودی، پیوندی بین گزینش فرعی موجود در یک الگوی کم‌وبیش منتظم را نیز

تأمین می‌کند» (گیدنز، 1388: 121). کنشگران همیشه می‌دانند چه می‌کنند؛ یا دلایلش را ذکر می‌کنند و یا بالقوه توانایی ذکر آن را دارند، اما معمولاً آنچه می‌کنند با آنچه می‌خواهند متفاوت است. از همین‌جاست که مجموعه‌ای از مسائل و معماهای جالب طرح می‌شوند». افراد آگاهانه سبک‌های زندگی‌شان را انتخاب می‌کنند و در معرض آن قرار می‌گیرند و با میزانی از آگاهی آن را انتخاب می‌کند؛ اما سبک‌های زندگی دارای پیامدهایی هستند که گاهی متفاوت با آنچه که کنشگر در نظر داشته، می‌باشند. این را می‌توان در واقع در مقوله احساس امنیت اجتماعی نیز دنبال کرد. همچنین او از پیامدهای ویرانگر سبک زندگی می‌گوید که به علت انتخابی بودن سبک‌های زندگی و در بسیاری از مواقع عدم دستیابی به این انتخاب‌ها از سوی قشرهای مختلف، به خودی خود سبب بسیاری از نومییدی‌ها می‌شود (کریمی، 1392: 41).

### روش پژوهش

در این پژوهش از روش کمی با استفاده از تکنیک پیمایش بهره گرفته شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته بوده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه افراد بین (16 تا 27) ساله شهر تهران هستند که تعداد آن‌ها با استفاده از فرمول کوکران (384) نفر تعیین شد. شیوه نمونه‌گیری در پژوهش حاضر نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. در این پژوهش، متغیر وابسته پژوهش یعنی مخاطرات برابر با مخاطرات امنیتی-انتظامی، مخاطرات بهداشتی-زیست‌محیطی، مخاطرات اجتماعی-فرهنگی، مخاطرات سیاسی-اقتصادی، مخاطرات صنعتی-فناوری و متغیرهای مستقل اعتماد به آینده، آگاهی (رسانه+ تحصیلات)، سبک زندگی و دینداری در نظر گرفته شده است. اعتبار این پرسشنامه از طریق اعتبار صورتی تأیید شده است و پایایی تمام متغیرها بالای (0/7) است.

### تحلیل یافته‌های پژوهش

#### • یافته‌های توصیفی

بر اساس داده‌های به دست آمده بیشتر پاسخگویان در رده سنی (24) سال قرار دارند. کمترین فراوانی پاسخگویان مربوط به رده سنی (18-19) سال می‌باشد. از (384) نفر مورد مطالعه، (200) نفر مرد و (184) نفر زن هستند. (100) درصد افراد مورد مطالعه

باسوادند. (35) درصد از آنها تا پایان دیپلم و (15) درصد دارای مدرک فوق دیپلم، (40) درصد دارای مدرک تحصیلی کارشناسی و (10) درصد نیز دارای مدرک بالاتر از کارشناسی هستند. از لحاظ وضعیت اشتغال، (17) درصد از پاسخگویان شاغل اند و از لحاظ وضعیت تأهل، (18) درصد از پاسخگویان متأهل و (82) درصد مجردند.

نتایج جدول شماره (1) نشان می‌دهد که مهم‌ترین مخاطرات از دید جوانان مخاطرات سیاسی-اقتصادی سپس مخاطرات بهداشتی-زیست‌محیطی، امنیتی-انتظامی و سرانجام مخاطرات اجتماعی-فرهنگی است. در واقع از نظر جوانان مخاطرات سیاسی-اقتصادی به نسبت سایر مخاطرات اهمیت بیشتری دارند و احساس نگرانی نسبت به این نوع از مخاطرات در نزد آنها بیش از سایر مخاطرات می‌باشد. در بین میانگین متغیرهای مستقل نیز، میانگین اعتماد به آینده، سبک زندگی، آگاهی و دینداری به ترتیب از همه کمتر است.

جدول شماره (1). نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	تعداد	انحراف معیار
امنیتی-انتظامی	45/40	342	21/31
صنعتی-فناوری	38/45	353	17/73
سیاسی-اقتصادی	73/84	360	19/67
اجتماعی-فرهنگی	41/34	325	19/22
بهداشتی-زیست‌محیطی	63/75	374	10/12
اعتماد به آینده	20/65	338	5/81
سبک زندگی	44/47	366	12/11
دینداری	22/59	370	8/9
آگاهی	38/59	369	13/66

• یافته‌های استنباطی پژوهش

○ جدول آزمون همبستگی پیرسون

همان‌گونه که جدول همبستگی شماره (2) نشان می‌دهد بین اعتماد به آینده و تمام مؤلفه‌های مخاطره (مخاطرات سیاسی-اقتصادی، امنیتی-انتظامی، بهداشتی-زیست‌محیطی، صنعتی-فناوری و اجتماعی-فرهنگی) رابطه معناداری وجود دارد. علامت منفی ضریب همبستگی پیرسون بدین معناست که با افزایش اعتماد به آینده،

درک و نگرانی افراد از مخاطرات کاهش می‌یابد. بین متغیر سبک زندگی با مؤلفه‌های مخاطرات، مخاطرات سیاسی - اقتصادی، صنعتی - فناوری و اجتماعی - فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد. وجود رابطه مثبت ضریب همبستگی نشان می‌دهد که هرچه افراد در معرض سبک زندگی مخاطره‌آمیز باشند، درک و نگرانی افراد از مخاطرات افزایش می‌یابد. متغیر آگاهی با مؤلفه‌های سیاسی - اقتصادی، بهداشتی - زیست‌محیطی و اجتماعی - فرهنگی رابطه معناداری دارد. وجود رابطه مثبت ضریب همبستگی نشان می‌دهد که هرچه آگاهی افراد افزایش یابد، درک و نگرانی آن‌ها از مخاطرات نیز افزایش خواهد یافت. متغیر دینداری با مؤلفه‌های سیاسی - اقتصادی، امنیتی - انتظامی، صنعتی - فناوری و اجتماعی - فرهنگی رابطه معناداری دارد. علامت منفی ضریب همبستگی پیرسون بدین معناست که افراد دیندار، درک و نگرانی کمتری نسبت به مخاطرات دارند.

جدول شماره (2). نتایج آزمون همبستگی پیرسون

وابسته مستقل	سیاسی - اقتصادی	انتظامی - امنیتی	بهداشتی - زیست‌محیطی	صنعتی - فناوری	اجتماعی - فرهنگی
اعتماد به پیرسون	-0/241	-0/270	-0/15	-0/21	-0/251
آینده معناداری	0/01	0/000	0/01	0/01	0/000
سبک زندگی پیرسون	0/299	0/4	0/6	0/155	0/7
مخاطره‌آمیز معناداری	0/01	0/20	0/03	0/03	0/000
آگاهی پیرسون	0/453	0/020	0/241	0/01	0/251
معناداری	0/000	0/4	0/01	0/2	0/01
دینداری پیرسون	-0/23	-0/204	0/01	-0/01	-0/54
معناداری	0/01	0/01	0/2	0/01	0/000

#### • نتایج تحلیل رگرسیون

جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون چندگانه استفاده شده است. بر طبق یافته‌های جدول شماره (3)، ضریب همبستگی چندگانه بیانگر این مطلب است که متغیرهای مستقل و وابسته (0/60) با هم ارتباط و همبستگی دارند. ضریب تعیین (0/38) محاسبه شده است که مبین این مطلب است که (38) درصد از تغییرات متغیر وابسته مخاطره توسط متغیرهای مستقل قابل تبیین است. همان‌گونه که در جدول شماره (4) مشاهده می‌شود از بین (4) متغیر وارد شده در مدل، سه متغیر (اعتماد به

آینده، سبک زندگی مخاطره‌آمیز و آگاهی) با متغیر وابسته (مخاطره) ارتباط معناداری دارند. ضرایب رگرسیونی نشان می‌دهند که متغیر اعتماد به آینده بیشترین تأثیر را بر متغیر مخاطره دارد. پس‌از آن، متغیر آگاهی، سپس سبک زندگی مخاطره‌آمیز و سرانجام نیز متغیر دینداری دارای بیشترین تأثیر بر متغیر مخاطره هستند.

جدول شماره (3). رگرسیون چندگانه برای تبیین مخاطرات

R	R Square	Adjusted R Square	F	Sig
0/60	0/38	0/36	40/96	0/00

جدول شماره (4). ضرایب تأثیر مدل تبیین‌کننده مخاطرات

متغیر	ضریب تأثیر غیراستاندارد (B)	ضریب تأثیر استاندارد (Beta)	ارزش T (T. Value)	معناداری (Sig)
اعتماد به آینده	-0/38	-0/48	9/84	0/00
سبک زندگی مخاطره‌آمیز	0/12	0/14	2/81	0/00
آگاهی	0/12	0/15	2/93	0/00
دینداری	-0/04	-0/08	-2/10	0/04

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش به دنبال مطالعه عوامل مؤثر بر درک جوانان شهر تهران نسبت به مخاطره بودیم. به نظر نظریه‌پردازان جامعه مخاطره، در فرهنگ‌های پیش از مدرن، پایین بودن سطح فاصله‌گیری زمانی - فضایی به همراه مسلط بودن چهار زمینه محلی اعتماد ناشی از نظام خویشاوندی، اجتماع محلی، نفوذ کیهان‌شناسی مذهبی و سنت، زمینه امنیت وجودی و محیط‌های اعتماد را فراهم می‌کردند. فرآیندهای از جا‌کنندگی زمانی - فضایی و دانش بازان‌دیشانه مختص زندگی اجتماعی مدرن، هر چهار کانون اصلی اعتماد و امنیت وجودی ماقبل مدرن را تضعیف نموده است؛ بنابراین محیط مخاطره‌پیش از مدرن نیز به همین سان دگرگون شده و در شرایط مدرنیته ما با خطرهایی روبه‌رو هستیم که سیمای مخاطره نوپدید ناشی از مدرنیته یا مخاطره انسان‌ساخته نام دارند (گیدنز، 1388: 130-133). در جامعه مدرن امروز نیز نظام اعتماد خویشاوندی کمرنگ شده و منبع اعتماد به سمت دانش کارشناسان و متخصصان تغییر جهت داده

است. در واقع این تغییرات باعث شده است تا سرچشمه اعتماد افراد دگرگون شده و شرایط پیشین نتواند امنیت وجودی را برای افراد به ارمغان آورد. تغییرات فناورانه و گسترش روزافزون رسانه‌ها باعث شده تا قدرت بازاندیشی افراد به مراتب بیشتر شده و منابع کیهان‌شناسی در نسل جوان کشور از قدرت کمتری برای تأمین امنیت افراد برخوردار باشند. از سوی دیگر نسل جوان کشور ما به دلیل کسب آگاهی‌های مختلف ناشی از گسترش تراکم مادی و اخلاقی جامعه و شهرنشینی وسیع و نیز استفاده روزمره از رسانه‌های جمعی، سبک‌های مختلفی را نیز در زندگی خود تجربه می‌کند. زندگی در شهر انتخاب‌های مختلفی در برابر افراد قرار داده است. در واقع شهر پدیدآورنده سبکی از زندگی (شامل شیوه‌های تفکر، احساس و به‌طور کلی تجربه واقعیت) است که برای جامعه کنونی روی هم‌رفته معیار محسوب می‌شود. امروزه شهرنشینی هم به معنای رشد ظاهری شهرها و هم به معنای اشاعه شیوه‌های زندگی شهری، بی‌شک حکم حامل مستقل را برای آگاهی مدرن داشت. این فرآیند شاید پیش از همه با گسترش باسوادی از شهر به خارج از آن تا دورافتاده‌ترین نقاط روستایی، در اثر اجبار نظام‌های مدرن تحصیلی، آغاز شد. جوانان شهر تهران تحت تأثیر این سبک‌های زندگی، آگاهی‌های جدیدی پیدا کرده‌اند که حق انتخاب‌های بیشتری را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد. این حق انتخاب هیچ‌گاه بدون خطر نخواهد بود.

ابداع تعاریف شناختی و هنجاری تازه درباره واقعیت در شهر به سرعت از طریق انتشار انبوه، رادیو، تلویزیون و سینما در سرتاسر جامعه پخش می‌شوند. ارتباط با این رسانه‌ها به معنای درگیر شدن در شهری کردن دائمی آگاهی است. چندگانگی و پیچیدگی، ذاتی این فرآیند است. فرد در هر کجا که باشد به وسیله رسانه‌های متنوع با اطلاعات گوناگون بمباران می‌شود. این فرآیند از راه اطلاعات، ذهن فرد را باز می‌کند. باین همه، این فرآیند درست به همین دلیل، یکپارچگی و مقبولیت جهان، خانه فرد را سست می‌کند. در بسیاری از موارد این چندگانگی حتی در درون فرآیندهای جامعه‌پذیری اولیه، یعنی درون فرآیندهایی که در دوران کودکی به‌طور بنیادی، خود فرد و جهان ذهنی‌اش را شکل می‌دهند، راه می‌یابد. این تحول، بیش‌ازپیش، زندگی افراد در جامعه مدرن را تحت تأثیر قرار داده است. در واقع ذخایر آگاهی این نسل درباره جهان مدرن از طریق رسانه‌های گوناگون ارتباطی، به‌طور گسترده دستخوش



تغییر شده است به طوری که با ظهور اجتماعی پیکره‌های جدید شناختی، گونه‌ای توزیع اجتماعی تازه در شناخت این نسل به وجود آمده است.

در کشور ما، هم‌زمان با گسترش نوسازی پس از جنگ تحمیلی، متخصصان جدید مشروعیت پیدا کردند و از متخصصان قدیمی مشروعیت زدایی شده است. نوسازی، تأثیرات بسیاری بر نسل جوان کشور ما گذاشته است. در واقع نوسازی پس از جنگ و اتخاذ راهبرد خصوصی‌سازی در این سال‌ها شرایط خاصی را در کشور و تهران حاکم کرد و مخاطراتی را در این شهر تولید کرده که احتمال خطر را بسیار بالا برده است. عوامل و عناصر انسان‌ساخت و عدم رعایت اصول برنامه‌ریزی شهری در این مکان‌ها مانند تمرکز شدید ساختمانی، کمبود فضاهای باز، عدم رعایت استانداردهای لازم در اکثریت سازه‌ها، جمعیت زیاد، عدم رعایت سرانه کاربری‌ها، شدت آسیب‌پذیری و خسارت‌های ناشی از زلزله احتمالی و سایر مخاطرات را دوچندان نموده است. در واقع بحران‌های طبیعی یادشده در کنار بحران‌های انتظامی، اجتماعی و فرهنگی و فناورانه شرایط شهر تهران را برای متولدین این نسل بسیار خطرآفرین نموده است. هم‌زمان با تولد این نسل، انقلاب و حمله نیروهای بیگانه به کشور، شروع جنگ و تقلا برای ماندن - تحت هر شرایطی - باعث شد تا جامعه یا حداقل بخشی از آن دلپره‌آور باشد. از سوی دیگر، جهانی‌شدن باعث شده تا ارزش‌های دینی و اسلامی بیشتر رنگ‌باخته و گسترش رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی باعث نفوذ بحران‌هایی شود که مخاطرات وسیعی را در پی داشته باشد. به نظر می‌رسد به قول گیدنز، خطاهای طراحان نوسازی در دوران پس از جنگ بسیار بیشتر بوده، به طوری که لمس این مخاطرات چندان سخت نیست. نکته مهمی که بر جامعه‌پذیری متولدین این نسل تأثیر می‌گذارد هجوم گسترده رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است که به تعبیر بک ظهور اشکال جدید اشتغال و بیکاری از طریق کار در خانه یا کار در فضای مجازی و شکل قراردادهای کاری و استخدام را نیز دگرگون می‌کند و به‌نوعی اشکال انعطاف‌پذیر اشتغال را به وجود آورده است. این امر خود از جهاتی تولید مخاطره می‌کند و به تعبیر بک، نوعی کم اشتغالی تنوع یافته شکل می‌گیرد و اتکا به سامانه‌های سابق تأمین اجتماعی نیز با دشواری‌هایی مواجه می‌شود. این نسل جوان در پرتو دانش روزافزون دنیا و بازانديشي، به نظر می‌رسد در یک وجه با نسل‌های پیش از خود دارای اشتراکاتی باشد و آن هم وجه مخاطرات

اقتصادی است. می‌توان گفت کماکان مخاطرات اقتصادی در نزد نسل‌های جامعه ما مهم‌ترین دغدغه را تشکیل می‌دهد. این دغدغه به‌زعم اینگلههارت می‌تواند به دوران بلوغ افراد مرتبط باشد که در آن افراد تحت شرایط نامساعد و نامطلوب اقتصادی دوران رشد خود را طی می‌کنند. این بدین معناست که شرایط نامطلوب اقتصادی و مشکلات همراه آن، همواره مسئله مهم جامعه ما بوده و هنوز نتوانسته‌ایم این مسئله را حل کنیم. از این‌رو مسائل ما هنوز در بعد اقتصادی پابرجاست و مهم‌ترین بعد مخاطرات را شکل داده است. اگر برای نسل‌های پیشین، دغدغه تولید و ثروت اهمیت داشت، برای نسل کنونی، مصرف مهم‌ترین است. در جمع‌بندی نتایج این پژوهش می‌توان چنین گفت که هر مخاطره‌ای امری مستقل از جامعه نیست بلکه در بستر یک ساخت اجتماعی روی می‌دهد. از تصویری که انسان‌ها پیش از تجربه دارند تا مواجهه و تجربه آن و در پایان فهم پیامدهای آن، همگی در بستری اجتماعی فهمیده می‌شوند. به معنای دیگر هر پدیده‌ای چه طبیعی و چه انسانی، آثاری به همراه خود دارد که از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از نسلی به نسل دیگر متفاوت است و زمینه‌های اجتماعی در این موضوع مؤثر هستند. در واقع ساختارهای اجتماعی، فرهنگ و رفتارهای آموخته انسان‌ها در تفسیر حوادث طبیعی و انسان‌ساز و درک پیامدها نقش غیرقابل‌انکاری ایفا می‌کنند. به همین خاطر می‌توان گفت، امر طبیعی از امر انسانی متمایز نیست. تصور ما از مخاطرات، تجارب ما و مصائب ناشی از آن و همین‌طور مواجهه با پیامدهای این حادثه طبیعی در یک جامعه انسانی درک می‌شود و این حوادث خارج از ادراک انسانی معنای به خصوصی ندارند. از طرف دیگر، میزان مصیبت‌بار بودن یک مخاطره یا شرارت‌بار بودن یا موهبت‌بار بودن یک رخداد از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت درک می‌شود و همین تفاوت برداشت‌ها نشان می‌دهد که مخاطره یک امر اجتماعی است و برحسب ساختارهای اجتماعی، فرهنگ و تجربیات آموخته شده فهم می‌شود. درک و مواجهه با این پدیده‌ها، آثار عینی و ذهنی همگی برساخت‌های اجتماعی هستند و تابعی از سازوکارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه هستند؛ بنابراین نمی‌توان آن‌ها را به اموری فقط طبیعی یا غیرطبیعی تقلیل داد. به همین خاطر حتی امور طبیعی مانند زلزله یا گردوغبار پدیده‌هایی فقط طبیعی یا انتزاعی نیستند بلکه متأثر از روابط و ارزش‌های اجتماعی آن جامعه هستند.

## پیشنهاد‌های پژوهش

بنا به مراتب بالا، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

- سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب در زمینه کاهش مخاطرات؛
- ارائه آموزش‌های لازم برای مقابله با مخاطرات؛
- به حداقل رساندن ریسک‌های پیش روی عرصه اقتصادی برای جذب گرایش‌های مختلف سیاسی در داخل کشور و جلوگیری از نفوذ گروه‌های معاند؛
- ایجاد زمینه لازم برای تقویت سرمایه اجتماعی و همدلی بین مردم و تمام گروه‌ها و قشرها در عرصه مخاطرات اجتماعی؛
- ارتقاء امنیت نرم با تأکید بر ظرفیت‌های اجتماعی تمام نسل‌های کشور با نهادینه‌سازی جوانان در پذیرش مسئولیت‌های خود در جامعه؛
- افزایش اعتماد به نخبگان و «دیگران» با فراهم کردن سابقه بی‌عیب و نقص نهادها و رویه‌ها، از نظر حقیقت‌گویی، وفای به عهد، انصاف و همبستگی
- ایجاد شرایط اداره عادلانه و صادقانه حکومت توسط نهادهای سیاسی؛
- پاسخ‌گویی حکمرانان و ترمیم اعتماد مخدوش‌شده مردم؛
- تقویت اتحاد مردم با اجتماعات مذهبی؛
- آموزش حقوق شهروندی، آگاهی از حقوق خود و دیگران و احیای نوعی تعهد اخلاقی جمعی نسبت به بهزیستی آحاد افراد جامعه؛
- کاهش شکاف بین اخلاق نظری و عملی و تناقض و تعارض عقیدتی و ارزشی، آرمان‌گرایی ایدئولوژیکی و ضعف عقلانیت نظری؛
- تلاش برای برقراری گفتمان و تعامل مناسب؛
- احترام و پذیرش نظرات جوانان و پرهیز از عدم فهم انتظارات و نیازهای مقبول آنان؛

- تهیه بانک اطلاعات از وضعیت امنیت شهری؛
- شناسایی نقاط پرخطر و حساس در سطح شهر؛
- مشاوره با دانشگاه‌ها و صاحب‌نظران، برای تدوین سیاست‌های مناسب؛
- انجام اصلاحات شهرسازانه و کالبدی برای افزایش قابلیت دفاع و شفافیت شهری؛
- استفاده از مشارکت مردم محلی و منتفعان، برای کاهش احساس ناامنی و افزایش امنیت فضاهای شهری.



## منابع

- ایمانی جاجرمی، حسین (1387). نگاهی جامعه‌شناختی به مخاطره در شهر. مطالعات اجتماعی ایران، شماره (4)، ص (142-124).
- براتی مقدم، انسیه (1393). رابطه سبک زندگی مخاطره‌آمیز و احساس امنیت در حوزه عمومی در میان جوانان شهر یزد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. یزد: دانشگاه یزد.
- بک، اولریش (1388). جامعه در مخاطره جهانی، ترجمه محمدرضا مهدی زاده. تهران: انتشارات کویر.
- پژوهشکده فرهنگ، هنر و ارتباطات (1394). گزارش پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج سوم، دفتر طرح‌های ملی با همکاری مرکز ملی رصد اجتماعی وزارت کشور. تهران: انتشارات وزارت کشور.
- حیدری، الله رحم (1390). جامعه مخاطره و احساس امنیت اجتماعی، رساله دکتری. شیراز: دانشگاه شیراز.
- غفاری، غلامرضا (1394). جامعه متحول، مخاطره و امنیت نرم. مطالعات امنیت اجتماعی، دوره (2)، شماره (42)، ص (158-139).
- قاسمی، محمدعلی (1388). جامعه ریسک و اهمیت آن برای مطالعات استراتژیک. فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره (12)، شماره (45)، ص (47-27).
- کریمی، خالد (1392). بررسی رابطه میان سبک زندگی زنان و احساس امنیت (مورد مطالعه: شهر تهران). تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
- کمانرودی، موسی؛ تولایی، سیمین (1396). مخاطرات، بحران‌ها و آسیب‌های انسانی شهری. تهران: انتشارات دانشگاه خوارزمی.
- گیدنز، آنتونی (1388). پیامدهای مدرنیته. چاپ (1). تهران: انتشارات مرکز.
- لاپتن، دپورا (1380). بیم و مدرنیزاسیون تعاملی، ترجمه مریم رفعت جاه. فصلنامه ارغنون، شماره (18).
- گزارش آینده‌پژوهی ایران (1397). تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک نهاد ریاست جمهوری.
- Beck, U. (1992), from industrial Society to risk society; Questions of survival, social structures and ecological environment, Journal of Theory, culture and society, 1(9), P.97-123.
- Beck, U. (2002), the terrorist threat: world risk society revisited, theory, culture, society 19(4).



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی